

«عبدالله بن سبا» آنچه بود و آنچه نبود

سید محمد کاظم طباطبایی*

چکیده

«عبدالله بن سبا» چهره‌ای مرموز و مبهم در متون تاریخی است که درباره او بسیار سخن گفته شده است. نگاشته‌های تاریخی اهل سنت، به‌ویژه در دوره اخیر، او را یهودی‌زاده‌ای بنیان‌گذار شورش علیه عثمان و پایه‌گذار تفکر شیعی معرفی کرده‌اند. در مقابل، پژوهش‌گران شیعی با بررسی اسناد و متون ارائه‌شده تاریخی، شخصیت او را ساخته دست مخالفان شیعه برشمرده و حتی برخی وجود او را انکار کرده‌اند. بررسی منابع تاریخی و حدیثی، نادرستی هر دو نظر را اثبات و معلوم می‌کند که عبدالله بن سبا، فردی افراطی و غالی در دوره امیرالمؤمنین \square بوده که طرف‌داران اندکی نیز داشته، ولی دخالتی در حوادث سیاسی و اجتماعی دوره خویش نداشته و مورد اعتنا نبوده است.

کلیدواژه‌ها: عبدالله بن سبا، غلو، سیف بن عمر، سبأیه.

مقدمه

پژوهش تاریخی نیازمند روش منطقی، مقبول و منضبطی است که آن را بر پایه داشته‌های تاریخی معتبر و با پرهیز از تعصب و تمایلات فرقه‌ای، جناحی و مذهبی به پیش برد. متأسفانه این‌گونه پژوهش در میان مجموعه پژوهش‌های تاریخی موجود، کم‌برگ‌وبار است و بیشتر نمونه‌هایی که ادعای پژوهش تاریخی دارند، از یکی از گزینه‌های پیش‌گفته برخوردار نبوده، واقع‌نمایی مطلوب را دارا نیستند.

یکی از روشن‌ترین نمونه‌ها در ضعف پژوهش مطلوب، تحلیل‌های ارائه‌شده درباره عبدالله بن سبا (سبأ) است که اگرچه موضوعی بسیار پر دامنه و پرنوشته است، از واقع‌نمایی مطلوب برخوردار نیست.

* استادیار دانشگاه قرآن و حدیث و مدرس مرکز تخصصی حدیث حوزه علمیه قم.

در نیم قرن اخیر، بیش از پنجاه کتاب و پایان‌نامه در جوامع اهل سنت درباره این شخص نوشته شده و به گونه خاص، شخصیت او را تحلیل کرده است. این شمار کتاب، همراه با صدها مقاله روزنامه‌ای، تبلیغی - ترویجی و علمی - پژوهشی، عبدالله بن سبا را در صدر شخصیت‌های مورد توجه مسلمانان در دوره معاصر قرار داده است. اما به راستی عبدالله بن سبا کیست؟ ویژگی‌های فکری و اجتماعی او کدام است؟ از چه پایگاه اجتماعی برخوردار بوده است؟ چه تأثیراتی بر محیط اجتماعی خود و تاریخ مسلمانان داشته است؟ توجه فراوان به او از چه جهت است؟

آنچه در مجموعه گزارش‌ها و تحلیل‌های مرتبط با عبدالله بن سبا، شایسته‌امعان نظر است، روش‌ها و رویکردهای متفاوت تحلیل تاریخی، اسنادی، مصدری، جامعه‌شناسانه و متعصبانه در بررسی این گزارش‌هاست. از این رو در این نگاشته، موضوع عبدالله بن سبا، تنها در جایگاه موضوعی تاریخی مورد توجه نیست، بلکه بیشتر از منظر روش‌شناسی تحلیلی مورد توجه است تا: ویژگی‌های هر روش معلوم شود و ما را در یافتن شیوه‌ای منطقی، مقبول، علمی و قابل دفاع در تحلیل تاریخی یاری رساند و هم‌زمان، کاستی‌های هر روش نیز روشن گردد و آسیب‌های موجود در مواد (گزارش‌های تاریخی)، روش تحلیل تاریخی و آسیب‌های محتمل در سر راه پژوهش‌گر تاریخ را بنمایاند.

دیدگاه‌ها درباره عبدالله بن سبا

درباره عبدالله بن سبا و کارهای او، دو دیدگاه مشهور و چند دیدگاه غیرمشهور، مطرحند که با هم در ستیز بوده، نگاشته‌های گوناگونی در اثبات ادعای خویش و نقض ادعای گروه مقابل منتشر کرده‌اند.

دیدگاه اول:

دیدگاه نخست، همان دیدگاه مشهور سنیان (مبتنی بر گزارش طبری) است که در سال‌های اخیر به مدد تبلیغات

سلفی‌ها و وهابیان، آثار متعددی بر پایه آن به بازار ارائه شده است.^۱

بر طبق گزارشی که طبری به نقل از سَری و او از شعیب و او از سیف‌بن‌عمر نقل کرده است، عبدالله‌بن‌سبا، مردی یهودی، اهل صنعا و زاده‌ی مادری از نژاد سیاه بود. این یهودی‌زاده، در زمان عثمان، ادعای مسلمانی کرد و سپس برای اختلاف‌افکنی بین مسلمانان، در شهرهای اسلامی به ترویج افکار خود پرداخت و مسلمانان را گمراه کرد. او تفرقه‌افکنی خود را از حجاز آغاز کرد و سپس به بصره، کوفه، شام و مصر رفت.^۲ بر اساس این گزارش، ابن‌سبا یهودی‌زاده‌ای است که به قصد گمراهی‌آفرینی در جامعه اسلامی، مسلمان شد و سپس در شهرها و آبادی‌ها راه می‌سپرد تا خواسته‌ی خویش را گسترش دهد.

در مجموع، کارهایی که در این گزارش به عبدالله‌بن‌سبا نسبت داده شده است، عبارتند از:

۱. طرح موضوع وصی بودن امام علی[ؑ] و غاصب بودن عثمان در خلافت؛

۲. تأثیرگذاری بر اصحاب بزرگ پیامبر خدا[ؐ] همچون: ابوذر غفاری، عماربن‌یاسر و نیز چهره‌های برجسته‌ای چون: مالک اشتر و محمدبن‌ابی‌بکر؛

۳. دعوت توده‌ی مردم به قیام علیه عثمان در شهرهای کوفه و بصره و سرزمین مصر؛

۴. رهبری کردن شورش علیه عثمان، که به کشته شدن عثمان منتهی شد؛

۵. شعله‌ور ساختن آتش جنگ جمل، هنگامی که به مصالحه نزدیک می‌شد.

تحلیل این گزارش

نوع نقل طبری، به قصه‌ای ساختگی مانند‌تر است تا گزارشی تاریخی! با این حال، گزارش یادشده را از لحاظ سند و متن، اندکی می‌کاویم.

۱. برخی از نوشته‌ها از این قرار است: ابن‌سبا حقیقه لا خیال (سعدی هاشمی)؛ توضیح الباء عن مؤسس الشیعه عبدالله‌بن‌سبا (الرازحی)؛ أصل ابن‌سبا و منشأه (ابوعبدالله الذهبی)؛ دور عبدالله‌بن‌سبا الیهودی فی صناعه العقائد الشیعه الفاسده (محمد عبدالحلیم عبدالفتاح)؛ سؤال حول عبدالله‌بن‌سبا (محمد مال الله)؛ و

۲. تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۴۰.

تأمل در محتوای گزارش و چگونگی آن، به همراه نکاتی که با اندکی درنگریستن در آن به ذهن می‌آید، می‌تواند استواری این نقل را به شدت مخدوش کند؛ از جمله این‌که:

۱. چگونه می‌شود باور کرد که مردی یمنی و تازه‌مسلمان، در مدتی کمتر از ده سال، آن هم در شرایط آن روز، هم‌زمان، چنان نفوذ دامن‌گستری در بین مردم حجاز، عراق، شام، مصر و... (با همه تفاوت‌های فرهنگی و گرایش‌های مختلف فکری‌شان) پیدا کند و آن اندازه قدرت یابد که بتواند شورشی عظیم را بر ضد خلیفه مسلمانان طراحی و اجرا کند.

۲. از هنگام مسلمان شدن ابن‌سبا تا خیزش مردم بر ضد عثمان، کمتر از ده سال فاصله است. او بر اساس گزارش طبری، به آبادی‌ها و شهرهای اسلامی ره می‌سپرد و باورهای پذیرفته مسلمانان را به چالش می‌کشد و نیز بر ضد خلیفه سخن می‌گوید؛ اما آیا هیچ‌کس در برابر او نمی‌ایستد؟! چرا در منابع تاریخی، هیچ‌گونه عکس‌العملی از چگونگی برخورد او با مردم و مردم با او در گشت‌وگذارهایش وجود ندارد؟

۳. آیا می‌توان باور کرد صحابیان بزرگی چون: ابوذر (که پیامبر ﷺ او را راست‌گوترین مردمان شناسانده) و عمار (که پیامبر خدا ﷺ بر حق‌مداری او تصریح و تأکید کرده است)، تحت تأثیر کلام او قرار گیرند؟ آنان که مرعوب و مقهور کلام خلیفه اول، دوم و سوم نیز قرار نمی‌گیرند و از آن‌ها تأثیر نمی‌پذیرند، چگونه می‌توان تصور کرد که از تازه‌مسلمانی تبارناشناخته و... تأثیر بپذیرند؟!

ابوذر به عثمان اعتراض می‌کند که چرا تحت تأثیر کلام کعب‌الأحبارِ یهودی‌زاده است. پس چگونه ممکن است که خود، زیر نفوذ عبدالله بن‌سبای یهودی‌زاده سخن بگوید و حکومت نیز این نفوذ را به رخ او نکشد؟! این را نیز بیفزاییم که عالمان و متفکران اهل سنت - که صحابه پیامبر خدا ﷺ را بدان‌سان بزرگ می‌دارند - چگونه در تحلیل این‌گونه گزارش‌ها، به خود حق می‌دهند که به لحاظ فکری، آنان را تا این حد سطحی‌نگر و ساده‌اندیش جلوه دهند که تحت نفوذ مردی یهودی، بر ضد خلیفه خود شمشیر کشیده و فتنه ایجاد کرده‌اند؟

۴. آورده‌اند که ابن سبأ در جنگ جمل، نقش آفرینی کرده است. چرا پس از جنگ، هیچ خبری از او نیست؟ شخصی که تا بدان اندازه مقتدر است که می‌تواند خلیفه را به زیر کشد، چرا در اوج قدرت، هیچ کاری نمی‌کند و تاریخ، حتی نامی از او نمی‌برد؟!

۵. چرا معاویه که خود را «ولی خون» عثمان می‌شمرد و حتی صحابه پیامبر ﷺ را که در مدینه حضور داشتند و به عثمان کمک نکردند، مستحق قتل می‌دانست،^۱ هیچ‌گونه پی‌گیری‌ای درباره‌ی عامل اصلی قتل، انجام نمی‌دهد؟ چرا در متون تاریخی، حتی یک گزارش، در پی‌جویی معاویه از عبدالله بن سبأ نقل نشده است؟

۶. با توجه به این‌که اعراب به دانش تبارشناسی و نیز به شناخت تبار بزرگان خود و ثبت آن، بسی اهمیت می‌دهند، چگونه است که هیچ نشانه‌ای را از او - که تا این اندازه آوازه دارد - ثبت نکرده‌اند و هیچ‌کس از دودمان او را شناسانده‌اند؟

ب) ارزیابی اسناد گزارش

ارزیابی اسناد گزارش‌های مرتبط با عبدالله بن سبأ در کتاب *تاریخ الطبری* نیز بسیار جالب و محتاج تأمل است. سند طبری در نقل گزارش‌های عبدالله بن سبأ این‌گونه است: سَری از شعیب بن ابراهیم، از سیف بن عمر. سیف بن عمر نیز گزارش‌ها را از افراد متفاوتی نقل می‌کند که در بیشتر اسناد «محمد و طلحه» وجود دارند. توجه به این نکات در بررسی این طریق ضروری است:

۱. طبری به سال ۳۱۰ هجری در گذشته است و بیشتر گزارش‌های مرتبط با دوره عثمان و خلافت امیرالمؤمنین ﷺ را با طریقی نقل می‌کند که در سلسله اسناد آن، چهار و گاه پنج طبقه حضور دارند.

در طبقه‌شناسی اثبات شده است که هر طبقه با طبقه پیشین خود ۳۵ سال فاصله دارد.^۲ از این رو، گزارش‌های طبری به اسنادی دربردارنده دست‌کم هفت واسطه نیاز دارند. بنابراین، همه گزارش‌های سیف بن عمر - که با

۱. وقعه صفین، ص ۱۹۷.

۲. ر.ک: ترتیب اسانید الکافی (مقدمه)، ص ۱۱۱-۱۱۳.

یک یا دو واسطه نقل شده‌اند، مرسلند.

۲. مهم‌ترین فرد واقع در این سند، سیف‌بن عمر است که توسط همهٔ رجالیان اهل سنت، تضعیف شده و هیچ‌کس در ستایش و تأیید او سخن نگفته است.

ابن حجر عسقلانی، محدث و رجالی مورد اعتماد اهل سنت، در جمع‌بندی نظر رجالیان دربارهٔ او نوشته است:

سیف‌بن عمر التمیمی البرجمی و يقال: السعدی و يقال: الضبعی و يقال: الأسدی الکوفی، صاحب کتاب *الردة و الفتوح* قال ابن معین: ضعيف الحديث. و قال مرة: فليس خير منه و قال أبو حاتم: متروك الحديث، يشبه حديثه حديث الواقدي و قال أبو داود: ليس بشيء و قال النسائي و الدارقطني: ضعيف و قال ابن عدی: بعض أحاديثه مشهورة وعامتها منكرة؛ لم يتابع عليها. و قال ابن حبان: يروى الموضوعات عن الأثبات، قال: و قالوا: إنه كان يضع الحديث. قلت: بقیة کلام ابن حبان: اتهم بالزندقة و قال البرقانی عن الدارقطني: متروك. و قال الحاكم: اتهم بالزندقة، وهو فى الرواية ساقط. قرأت بخط الذهبی: مات سيف زمن الرشيد؛ سيف بن عمر تمیمی برجمی - که گاه سعدی، ضبعی و اسدی کوفی هم خوانده می‌شود - صاحب کتاب *الردة و الفتوح* است. ابن معین او را «ضعيف الحديث» خوانده است. مُرّه گفته است: فليس (پول سیاه بی‌ارزش) از او بهتر است. ابو حاتم او را «متروك الحديث» دانسته است که گزارش‌هایش در بی‌ارزشی، همانند گزارش‌های واقدی است. ابو داود گفته است: بی‌ارزش است. نسائی و دارقطنی او را ضعیف شمرده‌اند. ابن عدی می‌گوید: بعضی گزارش‌هایش مشهور است، ولی بیشتر آن‌ها منکر و شاذ است که پیروی ندارد. ابن حبان می‌گوید: او گزارش‌های جعلی را به بزرگان منسوب می‌کند و گفته‌اند او در طول زندگی خود، حدیث و گزارش جعل می‌کرده و متهم به زندیقی‌گری است. دارقطنی او را «متروك الحديث» شمرده و حاکم نیشابوری نیز اتهام انتساب او به زنداقه را نقل کرده و گفته است در نقل روایت، بی‌ارزش است. به خط ذهبی خواندم که: او در زمان هارون الرشید مُرده است.

یکی از محققان معاصر اهل سنت، رأی نزدیک به بیست نفر از رجالیان اهل سنت را جمع‌آوری کرده که همگی

۱. تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۴۶۶، ح ۳۱۸۴؛ تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۳۲۶، ح ۲۶۷۶.

در تضعیف سیف بن عمر است.^۱

به راستی، آیا فردی با این مشخصات و ویژگی‌ها، شایستگی گزارش وقایع مهم تاریخی و نقل اقوال و آثار صحابه را داراست؟

نویسندگان وهابی و سلفی در این زمینه با چالش جدی روبه‌رو هستند و نمی‌توانند عملکرد خود در استناد به سخنان این فرد کذاب و جعل را توجیه کنند. برخی از کسانی که ادعای روشن‌فکری و عدم تعصب دارند نیز از این دام نرهیده‌اند؛ برای مثال، دکتر اکرم ضیاء العمری در توجیه استناد به اقوال سیف بن عمر کذاب و جعل گفته است:

اگر این افراد حدیثی نقل کنند، مردود شمرده می‌شود، ولی در گزارش‌های تاریخی می‌توان به آنان اعتماد

کرد.^۲

این سخن و استدلال، بسی عجیب است. به راستی آیا می‌توان پذیرفت سخن یک نفر در فرع کوچک فقهی پذیرفته نباشد، ولی سخن او در تکفیر میلیون‌ها مسلمان پذیرفته شود؟! اهمیت کدام یک بیشتر است؟^۳ نکته جالب آن‌که نویسنده این سخن، در پی نقد متون تاریخی بر مبنای محدثین است ولی به صراحت، خلاف آن را مطرح می‌کند.

۳. فرد دیگر واقع در سند گزارش‌های طبری که راوی از سیف بن عمر است، شعیب بن ابراهیم کوفی است. ذهبی، ابن عدی و ابن حجر، او را مجهول شمرده‌اند.^۴

۴. فرد سوم واقع در سند گزارش‌های طبری دربارهٔ عبدالله بن سبا، راوی‌ای است به نام «سری» که یا سری بن اسماعیل است و یا سری بن عاصم همدانی. این هر دو فرد، تضعیف شده‌اند. سری بن اسماعیل توسط

۱. نحو انتقاد التاريخ الاسلامی، ص ۵۵-۵۷.

۲. ر.ک: عصر الخلافة الراشدة، محاولة لنقد الرواية التاريخية وفق منهج المحدثين، ص ۴۲۱.

۳. گسترده‌ترین بحث انتقادی دربارهٔ سیف بن عمر را علامه سید مرتضی عسکری، از عالمان شیعه، در کتاب عبدالله بن سبا و اساطیر آخری و شیخ حسن بن فرحان مالکی، از محققان اهل سنت، در کتاب نحو انتقاد التاريخ الاسلامی سامان داده‌اند.

۴. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۷۵؛ لسان المیزان، ج ۳، ص ۱۴۵.

یحیی بن سعید دروغ گو شمرده شده و توسط رجالیان دیگر تضعیف شده است. سری بن عاصم نیز دروغ گو، جعال و سارق حدیث معرفی شده است.^۱

چند نکته

توجه به اسناد و تحلیل متون مرتبط با عبدالله بن سبا، نشان گر جعل و اختلاق سیف بن عمر در این حوزه است، به گونه ای که با بدیهی ترین اصول و قواعد گزارش و تحلیل تاریخ نیز در تعارض است.

نکته مهم دیگر، تأثیرگذاری گسترده سیف بن عمر بر جریان تاریخ نگاری اهل سنت است. دروغ پردازی با این پیشینه و این ویژگی ها، بیش از ۷۰۱ گزارش تاریخی را از طریق *تاریخ الطبری* به منابع تاریخ نگاری اهل سنت سرازیر کرده است.^۲ گزارش های او نیز ناظر بر مقاطع مهم و اثرگذار تاریخ اسلام، همچون حوادث پس از پیامبر ﷺ، وقایع دوره عثمان و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام (یعنی از سال ۱۱ تا سال ۳۷ هجری) است.^۳

رویکرد اموی گرایانه او در توجیه عملکرد حاکمان (همچون خلفای سه گانه و معاویه) و نکوهش مخالفان آنان نیز کاملاً مشهود است.^۴

دیدگاه دوم:

در مقابل دیدگاه افراطی اول، دیدگاه دیگری پا به عرصه گذاشته و وجود عبدالله بن سبا را از اساس انکار کرده است. صاحب نظرترین فرد در این حوزه علامه سیدمرتضی عسکری است که در تحقیقات طولانی و گسترده خویش، به همه زوایای مربوط به عبدالله بن سبا و روایات سیف بن عمر پرداخته و تحقیقی درازدامن را ارائه داده است.

علامه عسکری بر این باور است که عبدالله بن سبا وجود خارجی نداشته و چهره ای ساخته و پرداخته

۱. ر.ک: *الغدیر*، ج ۸، ص ۱۴۰.

۲. این، رقمی است که توسط سید مرتضی عسکری و حسن بن فرحان المالکی در پژوهش های پیش گفته شان به دست آمده است.

۳. ر.ک: *الفتنه و وقعة الجمل بروایة سیف بن عمر*.

۴. درباره او و تأثیرگذاری او در تاریخ اسلام، ر.ک: *خمسون و مائة صحابی مختلق و ترجمه آن با نام «صدونینجاه صحابی ساختگی»*.

سیف‌بن عمر است، زیرا تمام گزارش‌های مرتبط با دخالت عبدالله‌بن سبا در حوادث دوره عثمان و آغاز خلافت امیرالمؤمنین \square ، به تاریخ الطبری و سپس به سیف‌بن عمر منتهی می‌شود.^۱

سیف‌بن عمر، افزون بر عبدالله‌بن سبا، چهره‌های دیگری را نیز ساخته و پرداخته است که از جمله آن‌ها ۱۵۰ تن از صحابه پیامبرند^۲ که در هیچ منبعی غیر از روایات سیف‌بن عمر، سخنی درباره آن‌ها وجود ندارد.

آشنایی با روایات و تفکر سیف‌بن عمر، نظر علامه عسکری را تأیید می‌کند. روال و رویه سیف‌بن عمر در گزارش‌های تاریخی، جعل، تحریف و قصه‌پردازی‌های گاه کودکانه است؛ مثلاً او از قهرمان بی‌بدیل نبردهای صدر اسلام با نام «عقاع‌بن عمر تمیمی» سخن می‌گوید که از قبیله او، یعنی بنی تمیم به حساب می‌آید. او در شجاعت و مبارزه بی‌همتاست و در حد خالدبن ولید (شخصیت دیگر مورد علاقه سیف‌بن عمر) مبارزه می‌کند.^۳ نکته جالب آن‌که، نام این قهرمان نبردهای صدر اسلام، در هیچ گزارش تاریخی به‌جز گزارش‌های سیف‌بن عمر و وجود ندارد. چگونه می‌توان باور کرد که نام او - که به گفته سیف‌بن عمر، عامل پیروزی در فتح قادسیه بوده است - در هیچ گزارش تاریخی دیگری وجود نداشته باشد؟^۴

عامل سیاسی - مذهبی نیز در جعلیات سیف‌بن عمر هویدا است. او در همه موارد سخنی می‌گوید که به نفع بنی امیه و دستگاه خلافت باشد و عیب‌جویی و منقصت شیعیان و علویان را در پی داشته باشد. از منظر او معاویه، ولیدبن عقبه، زیادبن ابیه، خالدبن ولید و عثمان همگی مبرا از خطا هستند و ابوذر، عمار، مالک‌اشتر، محمدبن ابی‌بکر، حکیم‌بن جبله، کمیل، صعصعه و... همگی مقصر و گناه‌کار!^۵

دیدگاه علامه عسکری \square در دوره‌ای اظهار شد که این‌گونه پژوهش برخلاف باور تاریخی مشهور تلقی و با آن مقابله می‌شد. عسکری در مقدمه کتاب عبدالله‌بن سبا - که چاپ اول آن در سال ۱۳۷۵ هجری قمری (۱۳۳۵

۱. ر.ک: عبدالله‌بن سبا و اساطیر اخری (دو جلد)، از سیدمرتضی عسکری و ترجمه آن با نام عبدالله‌بن سبا و دیگر افسانه‌های تاریخی.

۲. ر.ک: خمسون و مائة صحابی مختلق.

۳. ر.ک: همان، ج ۱، ص ۹۵-۱۸۹.

۴. ر.ک: همان، ص ۱۸۶؛ نحو انقاذ التاريخ الاسلامی، ص ۷۴-۷۵.

۵. ر.ک: تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۳۲۵-۳۳۸، ص ۳۶۵-۳۷۸ و ص ۴۱۵-۴۴۲.

هجری شمسی) انجام گرفته است - به تحقیقات خود اشاره کرده و گفته است: «هفت سال از انجام این تحقیق گذشته است، ولی امکان عرضه آن وجود نداشت، زیرا حرف جدیدی بود که مورد مخالفت و هجوم منتقدان قرار می گرفت.»^۱ و تنها پس از انتشار تشکیک علامه عبدالحسین امینی و دکتر طه حسین، در اصل وجود عبدالله بن سبا^۲ امکان عرضه آن پیدا شده است. ایشان در جلسه‌ای خصوصی که در سال ۱۳۸۲ شمسی در خدمت ایشان برگزار شد،^۳ بدین نکته اشاره کرد و تحقیقات خویش را مقدم بر تحقیق طه حسین و علامه امینی شمرد.

دیدگاه ایشان که بر تحقیقات و پژوهش‌های عالمانه جدید مبتنی بود، در دوره خویش گامی بسیار بلند و مهم در حوزه تحقیقات تاریخی روش مند است، به گونه‌ای که یکی از مستشرقان انگلیسی به نام «جیمز رابینسون» در نامه‌ای به ایشان، از این گونه پژوهش و نتیجه‌گیری (تحلیل) اظهار اعجاب کرده و نوشته است: «در سنین کهولت و بیماری، دو بار کتاب‌های شما را به دقت خوانده‌ام.»^۴

این دیدگاه (نظریه علامه عسکری) از سوی عالمان سلفی اهل سنت و وهابیان، مورد نقد قرار گرفته است، ولی نقدهای این گروه، چندان دقیق و قوی نیست و بلکه متعصبانه و غیرپژوهشی است و نمی‌تواند جعلیات سیف بن عمر را توجیه کند.

نقد دیدگاه علامه عسکری

اگرچه علامه عسکری^۱، راهی نو در پژوهش تاریخی درباره عبدالله بن سبا گشود و نظر مشهور تاریخ‌نگاران و مبلغان اهل سنت را دچار تردید کرد، ولی ایشان در تبیین دقیق نظریه خویش - که نظریه رقیب و بدیل دیدگاه اول است - با مشکل روبه‌رو شده است.

۱. ر.ک: عبدالله بن سبا و اساطیر اخری، ج ۱، ص ۷ (مقدمه مؤلف).

۲. درباره دیدگاه علامه امینی و دکتر طه حسین، ر.ک: الغدیر، ج ۸، ص ۱۴۰ و ۳۲۶؛ علی و بنوه، ص ۹۸.

۳. در دانشکده اصول‌الدین.

۴. ر.ک: خمسون و مائة صحابی مختلف، ج ۱، ص ۱۷.

نظریه ایشان مبتنی بر این پیش فرض است که همه گزارش‌ها درباره عبدالله بن سبا، زائیده خیال و وهم سیف بن عمر است؛ از این رو عبدالله بن سبا، وجود خارجی ندارد. به عبارت دیگر، به گفته علامه عسکری:

«عبدالله بن سبا در واقع آفریده خدا نیست، بلکه آفریده ذهن سیف بن عمر است.»^۱

اگر گزارش‌های سیف بن عمر، تنها نقل‌های مربوط به عبدالله بن سبا بود، این امکان وجود داشت که بر دیدگاهی چنین، تأکید شود، اما نکته تأمل برانگیز این است که متون تاریخی و حدیثی قابل توجهی، از غیر طریق سیف بن عمر، درباره وجود شخصی به نام عبدالله بن سبا، در دست است. در بسیاری از این متون، عبدالله بن سبا چهره‌ای غالی معرفی شده و در برخی منابع، سوزاندن او به وسیله امیرالمؤمنین علیه السلام به خاطر غلو و باور او به الوهیت مولا گزارش شده است:

۱. در کتاب *رجال الکشی* پنج روایت، وجود عبدالله بن سبا و چگونگی عقاید او را گزارش می‌کنند که سه روایت از این پنج روایت، سند صحیح دارند.^۲

۲. در کتاب *من لایحضره الفقیه* و نیز در *تهذیب الأحکام*، روایتی نقل شده که در آن، عبدالله بن سبا از حکمت بلند کردن دست در هنگام دعا، سؤال می‌کند.^۳

۳. در کتاب *الاعتقادات صدوق*، گزارشی نقل شده که در آن، زراره از امام صادق علیه السلام سؤال می‌کند: «مردی از فرزندان عبدالله بن سبا، قائل به تفویض است...»^۴

۴. در کتاب *رجال الطوسی* در شمار اصحاب امام علی علیه السلام به عبدالله بن سبا اشاره شده و آمده است: «عبدالله بن سبا، کسی است که به کفر بازگشت و اظهار غلو کرد.»^۵

۱. ر.ک: عبدالله بن سبا و اساطیر آخری، ج ۱، ص ۸.

۲. *رجال الکشی*، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۷۰ و ۱۷۱؛ ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴.

۳. *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۹۵۵؛ *تهذیب الأحکام*، ج ۲، ص ۳۲۲، ح ۱۳۱۵.

۴. *الاعتقادات*، ص ۱۰۰، ح ۳۷.

۵. *رجال الطوسی*، ج ۷۵، ش ۷۱۸.

۵. در کتاب الغیبه طوسی، به مناسبت طرح دیدگاه اعتقاد به امام زمان و جریان‌هایی که مخالف این دیدگاه هستند، آمده است: «و در میان آنان، کسانی از سبّایان (سبائیان) اند که می‌گویند: او، همان علی است و نمرده است...»^۱.

۶. در کتاب المحبر، تألیف محمد بن حبیب بغدادی (م. ۲۴۵ق)، در باب «أبناء الحبشیات (مردان عربی که مادر حبشی داشتند)» آمده است: «... و عبدالله بن سبا، رهبر سبّایان»^۲.

۷. ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق) در کتاب المعارف می‌گوید: «سبّایان از رافضه و به عبدالله بن سبا منسوبند و او نخستین رافضی است که کفر ورزید و گفت: "علی، پروردگار جهانیان است." علی نیز او و یارانش را سوزاند»^۳.

۸. اعیسی همدان، که در سال ۸۳ هجری توسط حجاج به قتل رسید، دربارهٔ مختار و صندلی او - که ادعا می‌کرد امام علی روی آن می‌نشسته است و آن را مقدس می‌دانست - می‌گوید: «گواهی می‌دهم که سبئی هستید و من شما را می‌شناسم، ای سپاهیان شرک!»^۴.

کسان دیگری همچون: سعد بن عبدالله اشعری (م. ۳۰۱ق) در کتاب المقالات و الفرق، نوبختی (م. ۳۱۰ق) در کتاب فرق الشیعیه، علی بن اسماعیل (م. ۳۳۰ق) در کتاب مقالات الإسلامیین، ابوالحسن مَلطی (م. ۳۷۷ق) در کتاب التنبیهِ و الردّ و عبدالقاهر بغدادی (م. ۴۲۹ق) در کتاب الفَرَق بین الفَرَق نیز از عبدالله بن سبا و یا سبّایه (سبائیه) یاد کرده‌اند.^۵

این نقل‌ها با تمام گوناگونی‌ها و مراتب مختلف اعتبارشان، یک نکته را به روشنی نشان می‌دهند و آن، این است که عنوان‌های «عبدالله بن سبا» و «سبائیه» ویژه گزارش‌های طبری و سیف بن عمر نیستند.

علامه عسکری خود به این نقل‌ها توجه داشته و به آن‌ها اشاره کرده است، ولی سعی در توجیه این متون نموده

۱. الغیبه (طوسی)، ص ۱۹۲، ح ۱۵۴.

۲. المحبر، ص ۳۰۸.

۳. المعارف، ص ۶۲۲.

۴. البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۷۹.

۵. عبدالله بن سبا و أساطیر آخری، ج ۲، ص ۲۲۱-۲۳۱.

و با ارائه برخی قرائن، آن‌ها را بر عبدالله بن وهب راسبی حمل کرده است. ایشان با مقارنه برخی گزارش‌ها نتیجه گرفته است که مراد از «سبئی (سبّائی)» یا «ابن سبا»، افراد یمنی‌ای هستند که از تیره سبا (هم‌خانواده با ملکه سبا) به حساب می‌آیند و همه این افراد ابن سبا نامیده می‌شوند؛ از این رو، در بسیاری از موارد، مراد از ابن سبا یا سبئی، فردی خاص نیست، بلکه این سخن مرادف با یمنی بودن این افراد است. در مواردی نیز که مسلماً فرد خاصی مورد نظر باشد، مراد گوینده، عبدالله بن وهب راسبی است.^۱

در نقد این سخن می‌گوییم: عبدالله بن وهب راسبی، از سران خوارج بود که در نبرد نهروان به دست امیرالمؤمنین \square به هلاکت رسید. چگونه می‌توان فردی خارجی و در رده سران خوارج را که (العیاذ بالله) امیرالمؤمنین \square را تکفیر کرده و با ایشان جنگیده‌اند، مرادف با مردی دانست که عقایدی غالیانه داشته و امیرالمؤمنین \square را دارنده صفت ربوبیت و صاحب‌اختیاری هستی می‌داند؟!^۲

دیدگاه سوم:

دکتر علی الوردی، اندیشمند عراقی (۱۹۱۳-۱۹۹۵م) از منظر جامعه‌شناسی (و نه تاریخی) به قضیه عبدالله بن سبا نگریسته است. شیوه مطالعات جامعه‌شناسانه علی وردی در کتاب *وعاظ السلاطین*، شیوه‌ای تحلیلی و شایسته توجه است. او در این کتاب مشهور - که در سال ۱۹۵۴ میلادی منتشر شد - به تحلیل جامعه‌شناسانه انقلاب بر ضد عثمان پرداخته و گزارش‌های تاریخ *الطبری* درباره نقش عبدالله بن سبا در شکل‌گیری شورش‌ها بر ضد عثمان را کاویده است. او معتقد است، از منظر جامعه‌شناسی این گزارش‌ها گونه‌ای ساده‌انگاری و بلاهت در تحلیل حوادث اجتماعی است.

از منظر او خیزش‌های اجتماعی، سیر منطقی پیدایش و تکوین دارند و نمی‌توانند وابسته به فعالیت چندساله

۱. رک: همان، ج ۲، ص ۳۱۴-۳۱۵.

۲. درباره غالی بودن عبدالله بن سبا، در پایان همین مقاله، در تبیین نظریه مختار، سخن خواهیم گفت.

یک یهودی زاده تازه مسلمان باشند.^۱ بنابراین، نتیجه گرفته است که «عبدالله بن سبا» یا «ابن السوداء» نامی رمزآلود برای عمار بن یاسر است. ایشان در ادامه، دلایلی نیز در کتاب خویش اقامه کرده است که مدعی او را اثبات نمی‌کند.^۲ مدعی او در این همانی عبدالله بن سبا و عمار یاسر به سیه چرده بون آن دو و عدم یادکرد عبدالله بن سبا پس از شهادت عمار یاسر در جنگ صفین است. مشکل اصلی در این تحلیل، آن است که در آن از قرائن تاریخی غفلت شده است. عمار یاسر فردی با پیشینه مشخص و پدر و مادر مسلمان شهید است که ارتباطی با یمن ندارد در گزارش‌های سیف بن عمر، ابن سبا با عمار یاسر سخن می‌گوید. ابن سبا در حوادث جنگ جمل حضور ندارد ولی عمار یاسر شخصیت تأثیرگذار در جنگ صفین است که شهادت او به سپاه معاویه آسیب رساند.

گفتنی است علی وردی، اگرچه تفکر سکولار دارد، ارادت او به امیرمؤمنان \square در جای جای کتابش مشهود است و به نظر می‌رسد فقط در تحلیل تاریخی گزارش‌های مربوط به عبدالله بن سبا دچار خطا شده است. این دیدگاه (فرضیه) نیز حامیانی دارد؛ از جمله: دکتر کامل مصطفی الشیبی، دیگر اندیشمند و پژوهش‌گر عراقی.^۳

دیدگاه چهارم:

به نظر می‌رسد، اولین تشکیک در شخصیت اسطوره‌ای عبدالله بن سبا از آن مستشرقان غربی باشد که با شیوه، زاویه دید و مبانی جدیدی به گزارش‌های تاریخی مسلمانان می‌نگریستند. اگرچه نیت برخی از آنان مبارزه با اساس اسلام بود، به گونه طبیعی به سراغ رخنه‌های قابل ایراد و اشکال در این حوزه رفته و در گزارش‌های حدیثی - تاریخی خدشه می‌کردند.

یکی از آغازین تشکیک‌کنندگان در شخصیت عبدالله بن سبا و تأثیر او در تاریخ اسلام، لئون کایتانی

۱. ر.ک: *وعاظ السلاطین*، ص ۹۸ - ۱۰۰.

۲. ر.ک: همان، ص ۱۷۷.

۳. ر.ک: *الصلة بين التصوف و التشيع*، ص ۳۸.

(۱۸۶۹-۱۹۲۶م) است. او به سنت و احادیث اسلامی - که در آن دوره، مصادر اهل سنت نماینده آن بودند -

بی‌اعتماد است؛ از این رو، در گزارش‌های سیف‌بن‌عمر نیز خدشه کرده است.^۱

برخی دیگر از مستشرقان نیز در این حوزه، نظر داده‌اند^۲ که دست‌یابی به سخنان و آرای آنان، نیازمند مهارت در

زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسوی و نیز محتاج پژوهش مستقلی از ناحیه متخصصان است.

دکتر طه حسین، اندیشمند و روشن‌فکر نابینای مصری، از اولین محققان مسلمان است که در شخصیت

عبدالله‌بن‌سبا و فعالیت‌های او تشکیک کرده است. تحلیل و برداشت او بیشتر جنبه تحلیل تاریخی دارد و به

قوت و استناد پژوهش علامه عسکری نیست، ولی در همان دوره انجام شده و چند سال پیش از انتشار اثر

علامه عسکری منتشر شده است. آن‌گونه که علامه سیدمرتضی عسکری^۳ در جلسه خصوصی پیش‌گفته نقل

کرد، هیچ‌یک از این دو نفر از پژوهش یکدیگر آگاهی نداشته‌اند، ولی این دو پژوهش در یک بازه زمانی

مشترک انجام شده است. کتاب طه حسین (علی و بنوه) در سال ۱۹۵۲ میلادی (۱۳۳۲ شمسی) نوشته و منتشر

شده است. این گروه (کایتانی و طه حسین) صرفاً در گزارش‌های تاریخی سیف‌بن‌عمر خدشه کرده و شخصیت

اسطوره‌ای او را نپذیرفته‌اند، ولی راه‌حل دقیق و عملی برای حل ماجرا ارائه نکرده‌اند.^۳

نظریه مختار

دیدگاه افراطی اول، از بُن باطل است. دیدگاه تفریطی دوم نیز - اگرچه در نقد علمی دیدگاه اول موفق بوده

است - در تبیین خود، با اشکال روبه‌روست. دیدگاه سوم با قرائن تاریخی مناسبت ندارد و دیدگاه چهارم تنها

در گزارش‌های تاریخی تشکیک کرده و راه‌حلی ارائه نکرده است. اکنون و در تبیین «دیدگاه مختار» می‌گوییم:

مجموعه گزارش‌های شیعی و سنی که از غیر از طریق سیف‌بن‌عمر در اختیار ما قرار گرفته، حاکی از وجود

فردی با نام عبدالله‌بن‌سبا با دیدگاهی افراطی و غلوآمیز درباره امیرالمؤمنین^۴ است که پیروان اندکی نیز داشته

۱. ر.ک: *وعاظ السلاطین*، ج ۲، ص ۳۰-۳۱.

۲. ر.ک: *تاریخ فرق اسلامی*، ج ۲، ص ۲۷۹؛ *تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام*، ج ۲، ص ۲۳-۳۳.

۳. ر.ک: *علی و بنوه*، ص ۹۱-۹۲.

است و این پیروان تا دهه‌ها پس از وی نیز وجود داشته‌اند.

در کتاب *رجال الکشی*، پنج گزارش دربارهٔ عبدالله بن سبا وجود دارد که به عقاید غلوآمیز او اشاره کرده‌اند. از

این مجموعه یک روایت را - که دارای سند معتبر است - مرور می‌کنیم:

حدثني محمد بن قولويه، قال: حدثني سعد بن عبدالله، قال: حدثنا يعقوب بن يزيد و محمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم، قال: سمعت أبا عبدالله \square يقول و هو يحدث أصحابه بحديث عبدالله بن سبا و ما ادعى من الربوبية في أمير المؤمنين علي بن أبي طالب، فقال: انه لما ادعى ذلك فيه استتابه أمير المؤمنين \square فأبى أن يتوب فأحرقه بالنار؛^۱ امام صادق \square با اصحاب خویش دربارهٔ عبدالله بن سبا و ادعای ربوبیت امیرالمؤمنین \square سخن گفت و فرمود: «آن‌گاه که او این ادعا را کرد، امیرمؤمنان او را به توبه واداشت و او از توبه کردن اجتناب کرد. امام \square او را به اعدام محکوم کرد و سوزاند.»

در روایت دیگری که در مصادر اصلی حدیثی شیعه همچون *تهذیب الاحکام*، کتاب *من لا یحضره الفقیه*، *علل الشرایع* و *تحف العقول* نقل شده، به عبدالله بن سبا و پرسش او از امیرالمؤمنین \square اشاره شده است. گزارش شیخ طوسی از این واقعه این‌گونه است:

أحمد بن أبي عبدالله عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن أبي بصير عن أبي عبدالله \square عن آباءه \square ان أمير المؤمنين \square قال: إذا فرغ أحدكم من الصلاة فليرفع يديه إلى السماء ولينصب في الدعاء فقال ابن سبأ: يا أمير المؤمنين أليس الله في كل مكان؟ فقال: بلى قال فلم يرفع يديه إلى السماء؟ قال: أما تقرأ في القرآن \square و في السماء رزقكم و ما توعدون \square فمن أين يطلب الرزق إلا من موضعه و موضع الرزق و ما وعد الله السماء؟^۲ امام صادق \square از پدران خویش گزارش کرده است که امیرمؤمنان \square فرمود: «هرگاه نماز یکی از شما پایان یافت، دستان خود را بالا برده و دعا کند.» ابن سبا گفت: یا امیرالمؤمنین! مگر خدا در همه مکان‌ها نیست. فرمود: «آری.» پرسید: پس چرا نمازگزار دست خود را بالا بگیرد؟ فرمود: «آیا در قرآن

۱. *رجال الکشی*، ج ۱، ص ۳۲۳، ش ۱۷۱.

۲. *تهذیب الاحکام*، ج ۲، ص ۳۲۲، ش ۱۷۱.

نخوانده‌ای که: "رزق شما و آنچه به شما وعده داده شده، در آسمان است." پس، از جایگاه روزی باید

طلب روزی شود و جایگاه روزی و آنچه وعده داده است، در آسمان است.»

این روایت به صورت مرسل و یا با اسناد دیگر در مصادر کهن شیعی نیز آمده است.^۱

در کتاب *الاعتقادات صدوق* نیز زراره از امام صادق ع درباره یکی از فرزندان عبدالله بن سبا - که قائل به تفویض است - پرسش می‌کند.^۲

در تمامی این متون - که با اسناد شیعی و در مصادر شیعی نقل شده‌اند - از عبدالله بن سبا و تفکر افراطی او یاد شده است. این مصادر و طرق، هیچ ارتباطی با سیف بن عمر و قصه پردازی‌های او ندارند و اصولاً آبشخوری دیگر دارند. افزون بر این مصادر، برخی متون دیگر که ارتباطی با سیف بن عمر ندارند نیز به عبدالله بن سبا و تفکر غالیانه او اشاره دارند؛ برای مثال، اعشی همدانی شاعری مشهور است که در سال ۸۳ هجری قمری و پیش از تولد سیف بن عمر از دنیا رفته است. او که از مخالفان مختار بود، در شعر خود مختار و طرفداران او را سبّیه (سبّایه) خوانده و گفته است:

شهدت علیکم أنکم سبّایه و انی بکم - یا شرطه الشریک - عارف^۳

در میان منابع متقدم، گزارش‌های دیگری از این قبیل نیز دیده می‌شوند که به عبدالله بن سبا و گاه به تفکر او اشاره کرده‌اند. این مجموعه قابل اعتنا اثبات می‌کند که فردی با نام عبدالله بن سبا وجود خارجی داشته و تفکری غالیانه را رهبری می‌کرده و طرفداران اندکی نیز داشته و به سبب پافشاری بر عقاید خود اعدام شده است، ولی تفکر او نابود نگشته است.

این فرد، هیچ ارتباطی با عالمان و بزرگان شیعه نداشته و گونه تفکر او نیز از همان آغاز، مطرود شیعیان بوده است. دخالت او در حوادث دوره عثمان هم در هیچ منبع دیگری به جز گزارش‌های سیف بن عمر، یاد نشده

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۵، ح ۹۵۵؛ خصال، ص ۶۲۸؛ علل الشرائع، ص ۳۴۴؛ تحف العقول، ۱۱۸.

۲. الاعتقادات فی دین الامامیه، ص ۱۰۰.

۳. البدایه و النهایه، ج ۸، ص ۲۷۹.

است. اصولاً او در حد و اندازه‌ای نبوده است که از سوی حاکمان، توده مردم یا خواص اجتماع، به وی اعتنا شود. بدین سبب، در متون تاریخی اصیلی که به حوادث اجتماعی عصر وی و شخصیت‌های اثرگذار در این حوادث پرداخته‌اند و سران شاخص آن پرداخته می‌شود، نامی از این فرد وجود ندارد؛ برای مثال، بلاذری (م. ۲۷۹ق) در کتاب *أنساب الأشراف* به تفصیل به وقایع دوره عثمان و آغاز خلافت امیرمؤمنان \square پرداخته است، ولی ذکری از عبدالله بن سبا نکرده است.^۱

گزیده سخن آن‌که:

۱. با توجه به متون حدیثی و تاریخی، در میان اصحاب امام علی \square فردی به نام عبدالله بن سبا بوده است.
۲. عبدالله بن سبا به احتمال فراوان، فردی «غالی» بوده است.
۳. عبدالله بن سبا پیروانی داشته که پس از وی نیز، از عقیده خود دست نکشیده‌اند.
۴. هیچ گزارش مقبولی درباره روایرویی عبدالله بن سبا با عثمان و برانگیختن مردم بر ضد خلیفه از سوی وی، در دست نیست و گزارش‌ها، یک‌سر به سیف بن عمر دروغ پرداز، منتهی می‌شوند.
۵. سیف بن عمر، چهره‌ای دروغ‌پرداز، افسانه‌ساز و غیرمعمد است و منابع علم رجال، به صراحت، او را «کذاب» دانسته‌اند.
۶. هیچ‌یک از گزارش‌گران تاریخی حوادث سال‌های ۳۰ تا ۳۶ هجری، از گروه سبّ‌ایان و سرکرده آن‌ها نام نبرده‌اند.
۷. نقش افسانه‌ای عبدالله بن سبا - که از گزارش‌های سیف بن عمر به دست می‌آید - بی‌گمان نادرست است.

۱. برای دیدن کاوشی در این باره، ر.ک: علی و بنوه، ص ۹۸.

۸. رهبری عبدالله بن سبا در جریان قتل عثمان و نیز اترپذیری صحابیان و دیگر مسلمانان از او، کذب محض است و چنانچه مورخان معتبر نیز آن را گزارش می‌کردند، با توجه به واقعیت‌های جامعه اسلامی آن روز و حضور شخصیت‌های برجسته صحابی، باز هم استواری آن گزارش‌ها، با تردید مواجه بود.

۹. گفتیم که سیف بن عمر، بر اساس گزارش رجالیان، مطعون و دروغ‌پرداز است. اکنون می‌افزاییم که اگر سیف، چهره‌ای مقبول نیز می‌داشت، این گزارش‌ها به لحاظ نقد محتوایی، پذیرفتنی نبودند. پردازش وقایع در این گزارش‌ها به حدی خام و نسنجیده است که هیچ مورخی و حتی هیچ انسان عاقلی نیز نمی‌تواند آن‌ها را بپذیرد.

۱۰. به هر حال، به نظر می‌رسد که دو طیف از دیدگاه‌های کاملاً متضاد، در دو سوی افراط و تفریط، پذیرفتنی نیستند؛ یعنی نه نقش‌آفرینی شگفت عبدالله بن سبا پذیرفتنی است و نه موهوم بودن او. او فردی است معمولی و با دیدگاهی غلوآمیز و فاقد شخصیت اسطوره‌ای ادعاشده درباره‌اش!

کتاب‌نامه

- اختیار المعرفة الرجال (رجال الکشی)، محمد بن حسن الطوسی، تحقیق: سیدمهدی رجایی، قم: موسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۴ق.
- الاعتقادات فی دین الامامیه، محمد بن علی بن بابویه، تحقیق: عصام عبدالسید، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
- البدایة و النهایة، اسماعیل بن کثیر الدمشقی (ابن کثیر)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- تاریخ الطبری، محمد بن جریر الطبری، بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- تاریخ اندیشه‌های کلامی در اسلام، عبدالرحمن بدوی، مترجم: حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۴.
- تاریخ فرق اسلامی (۲): فرق شیعی، حسین صابری، تهران: سمت، ۱۳۸۳.

- ترتيب اسانيد الكافي، آيت الله العظمى حاج آقا حسين طباطبائي بروجردى، مشهد: آستانه الرضويه المقدسه، مجمع البحوث الاسلاميه، ١٤١٤ق.
- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن الطوسى، تحقيق: سيد حسن موسى، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٤ش.
- تهذيب التهذيب، احمد بن على بن حجر العسقلانى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٤ق.
- تهذيب الكمال، ابوالحجاج يوسف المزي، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
- خمسون و مائة صحابى مختلف، سيد مرتضى عسكرى، قم: توحيد، ١٤١٤ق.
- رجال الطوسى، محمد بن حسن الطوسى، قم: جامعه مدرسين، ١٣٧٣ش.
- الصلوة بين التصوف و التشيع، كامل مصطفى شيبى، بغداد: مطبعة الزهراء، ١٣٨٣ق.
- الصلوة بين التصوف و التشيع، كامل مصطفى الشيبى، قاهره: دارالمعارف، چاپ دوم، بى تا.
- عبدالله بن سبأ و أساطير أخرى، السيد مرتضى العسكرى، بيروت: دارالزهراء، ١٤١٢ق.
- عبدالله بن سبأ، السيد مرتضى العسكرى، تهران: مطبعة مجلس الشورى، ١٣٧٥ق.
- عصر الخلافة الراشدة، اكرم ضياء العمرى، رياض: مكتبة العبيكان، ١٤١٦ق.
- على و بنوه (الفتنة الكبرى، ج ٢)، طه حسين، قاهره: دارالمعارف، چاپ هفتم، بى تا.
- الغدير، عبد الحسين امينى (علامه امينى)، بيروت: دارالكتب العربى، ١٣٩٧ق.
- الغيبة، محمد بن حسن الطوسى، تحقيق: عبدالله طهرانى، على احمد ناصح، قم: مؤسسه معارف اسلامى، ١٤١١ش.
- الفتنة و وقعة الجمل، سيف بن عمر الضبى الأسدى، تحقيق: احمد راتب عرموش، بيروت: دارالنفائس، ١٣٩١ق.
- لسان الميزان، احمد بن على بن حجر العسقلانى، بيروت: مؤسسة الاعلمى، ١٣٩٠ق.

- المحبر، محمد بن حبيب البغدادي، بي جا، مطبعة الدائرة، ١٣٦١ق.
- المعارف، ابن قتيبة الدينوري، تحقيق: ثروت عكاشه، مصر: دارالمعارف، ١٩٦٩م.
- من لا يحضره الفقيه، محمد بن علي بن بابويه (شيخ صدوق)، تحقيق: علي اكبر غفاري، قم: جامعه مدرسين، بي تا.
- ميزان الاعتدال، محمد بن احمد بن عثمان الذهبي، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دارالمعرفة، ١٣٨٢ق.
- نحو إنتقاذ التاريخ الاسلامي، حسن بن فرحان المالكي، رياض: مؤسسة اليمامة الصحيفة، ١٤١٨ق.
- وعاظ السلاطين، علي الوردى، بيروت: دار كوفان للنشر، ١٩٩٥م.
- وقعة صفين، ابن مزاحم المنقري، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قاهره: المؤسسة العربية الحديثية، ١٣٨٢ق.